

## فهرست مطالب

### فصل اول: مبانی ستیز

۱۱	نفرت مقدس
۲۳	قطعه‌ای از پازل
۳۲	ستیز دیرینه حق و باطل
۳۴	فریاد انبیا
۳۶	دشمن کارگشته
۴۵	مختصات طاغوت
۵۳	استکبار
۵۸	افساد:
۶۰	اضلال:
۶۳	مظاهر طاغوت
۶۶	نیاز حیاتی
۶۷	باطل بودن منطق لذت
۷۰	باطل بودن راهبرد اجتماعی

- ۷۱..... باطل بودن پشتوانه‌ی اقتصادی
- ۷۴..... شیطان حسودا!
- ۷۹..... نقاب جدید
- ۸۱..... پیشینه دشمن
- ۸۳..... تقیه یا ستیز؟
- ۸۹..... رویکرد متناقض؟
- ۸۹..... پاسخ چیست؟

## فصل دوم: برکات سبز

- ۹۳..... این همه مشکلات...
- ۹۴..... ۱. حفظ داشته‌ها
- ۹۷..... داشته‌های دینی
- ۹۸..... ۲. انضباط و اشراف بر مراودات
- ۱۰۲..... ۳. مصون ماندن از توطئه‌های احتمالی
- ۱۰۴..... ۴. نفوذناپذیری
- ۱۰۴..... نفوذ اقتصادی
- ۱۰۵..... نفوذ امنیتی
- ۱۰۵..... نفوذ سیاسی
- ۱۰۸..... نفوذ بهداشتی
- ۱۱۰..... نفوذ فکری و فرهنگی
- ۱۱۰..... تحریف دین

- ۱۱۵ ..... باورهای دینی
- ۱۱۶ ..... باورهای انقلابی
- ۱۱۷ ..... آداب اجتماعی
- ۱۱۸ ..... ابزارهای نفوذ
- ۱۱۸ ..... مجامع بین‌المللی
- ۱۱۸ ..... ماهواره و ابزارهای ارتباط جمعی
- ۱۲۰ ..... فیلم‌سازی و هنر رسانه
- ۱۲۱ ..... مراکز و ارگان‌های فرهنگی
- ۱۲۳ ..... سرگرمی‌های ناسالم
- ۱۲۴ ..... عناصر فرهنگی
- ۱۲۵ ..... ۵. تشخیص چهره‌ی واقعی دشمن
- ۱۲۶ ..... ترفندهای شیطان برای دوست‌جا زدن خود
- ۱۲۶ ..... گام‌به‌گام
- ۱۲۹ ..... لفاظی و تظاهر به خیرخواهی
- ۱۳۰ ..... تکیه بر دریچه میل انسان
- ۱۳۴ ..... منحرف کردن تقصیرات
- ۱۳۶ ..... تظاهر به روراست بودن و بیان اسرار نهفته
- ۱۳۷ ..... خودمانیم!
- ۱۳۸ ..... ۶. حفظ هویت
- ۱۴۳ ..... دشمن چگونه خودش را الگو جا می‌زند؟
- ۱۴۵ ..... دشمن چگونه خودش را شکست‌ناپذیر جا می‌زند؟

- ۱۴۷ ..... دوقطبی های ساختگی
- ۱۵۰ ..... ۷. ماندن و مصونیت از انقراض
- ۱۶۳ ..... ۸. درک واقعیت های زمانه
- ۱۶۷ ..... فکر می کنید داعش کیست؟! .....
- ۱۶۷ ..... برچسب های مصنوعی .....
- ۱۶۸ ..... ۹. دفع فتنه .....
- ۱۷۲ ..... ۱۰. استقلال .....
- ۱۷۳ ..... ۱۱. نصرت الهی .....
- ۱۷۶ ..... هر چه که هست خیر است! .....
- ۱۷۸ ..... ۱۲. یک شروع مبارک .....
- ۱۸۰ ..... ۱۳. «ایستادگی» برای «درجا نزدن» .....
- ۱۸۱ ..... ۱۴. مقاومت برای پیشرفت .....

## فصل سوم: مراحل ستیز

- ۱۸۴ ..... لا إله إلا الله .....
- ۱۸۵ ..... پیش از ستیز .....
- ۱۸۶ ..... ۱. رو در رو با که؟ .....
- ۱۸۹ ..... استکبار .....
- ۱۹۰ ..... افساد .....
- ۱۹۶ ..... برای آن هایی که فراموش کرده اند .....
- ۱۹۷ ..... نمودار فاصله طبقاتی .....

- دیگر چه؟ ..... ۱۹۸
- اضلال ..... ۱۹۸
- چرا آمریکا همان شیطان است؟ ..... ۲۰۱
- چرا دست از سرما بر نمی‌دارد؟! ..... ۲۰۴
۲. دشمن دشمن است ..... ۲۱۰
- حرف‌هایی که مبنای آن تمایل به دشمن است! ..... ۲۱۳
۳. قطع طمع ..... ۲۱۶
۴. بدگمانی ..... ۲۱۹
۵. خنثی نبودن! ..... ۲۲۰
۶. کنترل شنیده‌ها ..... ۲۲۳
- بالا تر از شنیدن! ..... ۲۲۶
- گوش شما به دهان کیست؟ ..... ۲۲۸
- حق انتخاب! ..... ۲۳۰
۷. تجدید خاطر دشمنی‌ها ..... ۲۳۲
- نمونه‌های ابراز دشمنی در قرآن ..... ۲۳۳
- «مرگ بر آمریکا» در قرآن ..... ۲۳۶
- رهایی از بند استکبار، در ادعیه ..... ۲۴۴
- مسلمان و فحش؟! ..... ۲۴۶
۸. غیرت نشان دادن ..... ۲۵۱
۹. ناچیز دیدن دشمن و دشمنی‌ها ..... ۲۵۳
۱۰. پس زدن سایه‌ی سنگین دشمن ..... ۲۵۷

- ۲۵۷ ..... الله اكبر؛ پشتمان گرم است!
- ۲۶۲ ..... استكبار ستيز بودن را برای ما سند زده‌اند
- ۲۶۳ ..... شروع‌کننده ما نیستیم!
- ۲۶۵ ..... ختم کلام
- ۲۶۷ ..... فهرست منابع



## نیاز حیاتی

از دور که نگاه کنی برایت سؤال می شود که: چرا؟! به چه انگیزه ای دشمن دشمنی می کند؟ به او چه می رسد اگر در برابر خدا صف آرایی کند؟ شاید جواب این سؤال از شدت وضوح، بر ما مخفی مانده، اما همین سؤال - در مقیاسی کوچک تر - در مورد خود ما هست! چطور با اینکه خدا نهی کرده، از شیطان تبعیت می کنیم؛ با اینکه بارها چوب این معامله ی بد را هم خورده ایم! همین خطای راهبردی را در جبهه ی باطل در مقیاسی واقعی تر می بینید. پیش از این که مختصات رفتار طاغوت را بررسی کردیم، تئوری فکری او را برای دشمنی کردن دریافت کردیم.<sup>۱</sup>

در بخش های آتی نیز وقتی به طور مصداقی به تشریح عملیات شیطان پرداختیم، از نزدیک کارهای او را مورد بررسی قرار می دهیم تا وجه کارهای او بیشتر برای ما واضح شود. اما آنچه در اینجا می خواهیم بگوییم این است که: نیاز دشمن به ظلم کردن، چیزی فراتر از کسب منفعت یا رسیدن به لذت یا درک قدرت است؛ آنچه که دشمن در صدد آن است چاره جویی برای «ماندن» است! این دشمن ظالم اگر، ظلم نکند حذف می شود و نابود خواهد شد! تمام هستی او بسته به بدی است و وجود هر نوع خیر و خوبی در دنیا برای او تهدید است. وجه آن هم روشن است؛ چون دشمن باطل است و باطل یعنی پوچ و تهی؛ لذا هیچ پشتوانه ای

۱. توضیح مطلب اینکه: استکبار به قومی که استکبار دارند خصلتی هدیه می دهد که آن حسادت است! چون خود را برتر می بیند، قانع نمی شود که مثل دیگران باشد، لذا سعی می کند یا دیگران را تحت سلطه ی خود در بیاورد و یا از سر حسادت، دیگران را تضعیف کند تا هم ردیف او یا ضعیف تر از او باشند. برای این کار، از دو راهبرد: افساد و اضلال استفاده می کنند؛ افساد برای جنبه های مادی و اضلال برای جنبه های روحی و معنوی.

ندارد جز ظلم و دزدی و دستبرد زدن به دیگران. یا باید دارایی مادی و معنوی دیگران را به تاراج برد و چاق شود، و یا باید لا اقل دیگران را هم مثل خودش تنزل دهد و سطح کار را پایین بیاورد.<sup>۱</sup> باطل کف روی آب است. دائم باید آب را هم بزنی تا این طور به نظر بیاید؛ وگرنه اگر به حال خودش رهایش کنی کفها کنار می روند و آب زلال نمایان می شود:

﴿ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُۥ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُۥ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ ﴾<sup>۲</sup>

خداوند از آسمان آبی فرستاد؛ و از هر درّه و رودخانه‌ای به اندازه آن‌ها سیلابی جاری شد؛ سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد؛ و از آنچه (در کوره‌ها،) برای به دست آوردن زینت‌آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می کنند نیز کف‌هایی مانند آن به وجود می آید - خداوند، حق و باطل را چنین مثل می زند! - اما کف‌ها به بیرون پرتاب می شوند، ولی آنچه به مردم سود می رساند [= آب یا فلز خالص] در زمین می ماند؛ خداوند این چنین مثال می زند!

﴿ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴾<sup>۳</sup>

و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل نابود شدنی است!»

در قرآن و مفاهیم دینی به جنبه‌های این تهی بودن و آویز شدن به باطل اشاره شده است که ما چند سرفصل از آن جهات را فهرست می کنیم:

### باطل بودن منطق لذت

می خواهد از دنیای خاکی طلب لذت کند؛ از این ماده‌ی جامد و بی روح کسب شادی کند.

۱. ﴿ وَذُوقُوا لَوْتِكُمْ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً ﴾. (آنان آرزو می کنند که شما هم مانند ایشان کافر شوید، و مساوی

یکدیگر باشید/ نساء/ ۸۹).

۲. رعد/ ۱۷.

۳. اسراء/ ۸۱.



## این همه مشکلات...

تعجب از کسانی که تعجب می‌کنند از این همه بدبختی‌ها و مشکلات! وقتی سبب مشکلات در دست خودشان است؛ وقتی ملت‌های همه‌ی دنیا زیر بار رفته‌اند که یک ابر قدرت برای آن‌ها تصمیم بگیرد، مگر بهتر از این می‌شود؟ اگر غیر از این باشد باید تعجب کرد!

امروز هفت کشور صنعتی در جهان با داشتن ۱۲ درصد جمعیت، ۶۹/۲ درصد ثروت کره زمین را در اختیار خود گرفته‌اند و ۸۸ درصد جمعیت جهان تنها از ۳۰/۸ درصد ثروت بهره‌مندند.<sup>۱</sup> در آن هفت کشور هم فکر نکنید که عموم مردم پولدار هستند و تقسیم ثروت عادلانه صورت گرفته!

تا بوده همین‌طور بوده که مردم سلطه‌پذیر بوده‌اند و تا بوده بدبختی بوده و ظلم و تبعیض! این طراحی هم کار خودشان بوده است که مردم را سوق داده‌اند به سلطه‌پذیری:

دنیای سیاست بعد از چالش‌ها و زیر و رو شدن‌های فراوان، تبدیل شد به دنیای سلطه؛ یعنی تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. چند کشور سلطه‌گر و بقیه‌ی کشورها سلطه‌پذیرند؛ در کشورهای سلطه‌گر هم آحاد مردم سلطه‌پذیر و فقط یک عده‌ی معدودی سلطه‌گرند. یعنی هرم دنیا ناگهان از سطح وسیع قاعده، با یک حرکت تند و تیز به رأس کوچکی می‌رسد که دارد بر همه‌ی دنیا حکومت می‌کند؛ این دنیای سلطه است. بعد از فرو ریختن شوروی، دنیای سلطه باز هم دامنه‌اش تنگ‌تر شده؛ یعنی این رأس، به شکلی در انحصار یک دولت و یک قدرت درآمده و او آمریکاست. آمریکا هم قانع نیست؛ روسیه هم که در مقابل آمریکا کوتاه آمد، باز آمریکا قانع نیست و دارد همین‌طور پیشروی می‌کند؛ ...

ملتی به وجود آمده که تمام مسلمات آن رأس قدرت را زیر سؤال برده؛ ... زیر سؤال رفتن، فی

۱. پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران، به نقل از خبرگزاری فارس. این آمار نشان می‌دهد که حتی کشورهای دوست با ابر قدرت‌ها، عایدی خاصی از این رابطه‌ی صمیمانه نداشته‌اند!

نفسه چیزی نیست؛ اما اشکالش برای آمریکا این است که این مجادله‌ی سیاسی، یک مجموعه‌ی عظیمی تماشاگر دارد. تماشاگرها کیستند؟ ملت‌ها؛ که دارند نگاه می‌کنند و می‌بینند. تأثیری که این در روحیه‌ی ملت‌ها می‌گذارد، برای قدرت استکباری آمریکا از هر زهری تلخ‌تر است. امروز در همان کشورهایی که آمریکا بر دولت‌های آن‌ها مسلط است، در آسیا و آفریقا و خاور میانه و آمریکای لاتین در بین ملت‌های آن‌ها، آمریکا منفورترین دولت‌های دنیاست. این به خودی خود پیش نیامده؛ این تصادفی پیش نیامده.<sup>۱</sup>

ما نمی‌خواهیم در این بازی حل شویم! ما می‌خواهیم صحنه‌گردان باشیم و دنیا را آن‌طور بچرخانیم که خودمان می‌خواهیم.

خرجش شاید به نظر زیاد بیاید؛ اما نه... از دور این‌طور می‌نماید. وارد عرصه که بشوی، مدد خدا هم می‌آید؛ پشت‌وپناخت می‌شود. دنیا داغ‌دیده زیاد دارد. یک نفر می‌خواهد که صدایش را بلند کند و حرف دل دیگران را بگوید، تا دیگران هم به خروش بیایند و هم‌صدا با او به مبارزه برخیزند.

شاید برخی، ستیز را یک ارزش تلقی کنند، اما وقتی از فواید و آثار واقعی آن سؤال می‌کنیم، چیزی به ذهنشان نمی‌آید. انگار فقط ثواب دارد! فایده که ندارد هیچ؛ ضرر هم دارد! آیا این‌طور است؟ آیا دین اسلام به کاری ارزش داده که در نتیجه به ضرر مسلمانان تمام می‌شود؟ کمی دقت و تأمل در تجربه‌های تاریخی و مفاهیم دینی خلاف این را اثبات می‌کند. برخی از آثار و برکات ستیز را در پی می‌آوریم:

### ۱. حفظ داشته‌ها

لازم نیست که از دشمن ستیزی خیر کثیری را دنبال کنیم، آنچه فعلاً در صدد آن هستیم، حفظ داشته‌های خودمان است. همین که دارایی ما به تاراج نرود ما انسان‌های ثروتمندی خواهیم بود.

۱. بیانات رهبر انقلاب ۶۸/۲/۱۳.

در حالی که اگر دشمن ستیز نباشیم منبع دارایی های ما آن چنان که گویی نشتی دارد، ذره ذره خالی خواهد شد.

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید، شما را به گذشته‌هایتان بازمی‌گردانند؛ و سرانجام، زیانکار خواهید شد.

«تصوّر نشود که کشورهای زیر سلطه، یعنی کشورهای آسیایی یا آفریقایی یا بعضی از کشورهای آمریکای لاتین که زیر سلطه بودند، این‌ها از اوّل همین‌طور مثلاً بدون علم و بدون فرهنگ و بدون تمدّن بودند؛ نه، این جور نیست. شما ملاحظه کنید این کتاب «نگاهی به تاریخ جهان» نهرو را؛ نهرو شرح می‌دهد که وقتی انگلیس‌ها وارد هند شدند، هند از صنعت بر خوردار بود؛ صنعت پیشرفته به حسب آن زمان - این را نهرو در نگاهی به تاریخ جهان ذکر می‌کند - یعنی محصولات پیشرفته‌ی صنعتی آن روز را داشت؛ کشورهای دیگر هم همین جور. انگلیسی‌ها وقتی وارد هند شدند، جلویس را گرفتند؛ یعنی کاری کردند که اصلاً صنعت بومی هند متوقف بشود و عقب‌گرد کند تا نیاز پیدا کنند به صنایع وارداتی و تولیدات انگلیسی؛ اصلاً برنامه‌ریزی کردند برای این. در همه جا این اتفاق افتاد. در ایران هم همین اتفاق افتاد. البتّه فرق ایران و هند و بعضی جاهای دیگر این است که در ایران استعمار رسمی‌ای وجود نداشت؛ نفوذ بود، استعمار نبود؛ [اما] در هند، استعمار رسمی بود.»<sup>۲</sup>

چقدر راحت به دشمن اجازه می‌دهیم که زحمات ما را هدر دهد و ما را به نقطه‌ی آغازین زحماتمان باز گرداند.

پدرمان حضرت آدم به خاطر یک اعتماد کوچک به دشمن، همه چیز را از دست داد. او که

۱. آل عمران/۱۴۹.

۲. بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان، ۹۶/۳/۱۷.



مجاناً بهشت را در اختیار داشت و مجاناً مسجود ملائک بود، آن بهشت برین را به بهای خوشه گندمی از دست داد و سیصد سال گریه نتوانست او را به مقام نخستینش بازگرداند. فقط اینکه خدا به او رحم کرد و به او فرصتی داد تا همه چیز را از نو شروع کند و برای خود بسازد.

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿١﴾﴾

ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم؛ سپس او را به پست‌ترین مرحله بازگرداندیم. همه‌ی این‌ها فقط به خاطر این بود که دشمنی دشمن را برای خود هضم نکرده بود و این‌گونه گرفتار چرب‌زبانی‌های دشمن شد، با اینکه خداوند این هشدار را به او داده بود:

﴿أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنِ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢﴾﴾

آیا شما را از آن درخت نهی نکردم؟! و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟!<sup>۳</sup> در حالی که اگر آدم فکر می‌کرد که این شیطان همان کسی است که همه سجده کردند و او سجده نکرد، به شیطان چراغ سبز نشان نمی‌داد و متحمل چنین هزینه‌ی سنگینی نمی‌شد.

این جریانی است که مخصوص پدرمان آدم نیست و بلکه در طول زندگی تک‌تک ما تکرار می‌شود که بر اثر نرزش نشان دادن در برابر شیاطین، دچار عقب‌گرد می‌شویم!

در حقیقت بنده‌ی خدا به محض اینکه چشم به عنایات خدا دوخت، همه چیز را دارا شده است و این شیطان است که چشم دیدن این لطف بی‌نهایت را ندارد. لذا از سر حسادت می‌خواهد که بنده‌ی خدا هم دستش خالی باشد و آنچه را که خودش ندارد، او هم نداشته باشد.

ببینید که چقدر زحمت می‌کشیم اما با فرسایش مواجه می‌شویم و به نتیجه نمی‌رسیم!

۱. تین/۴-۵.

۲. اعراف/۲۲.

۳. البته برای شیطان کار ساده‌ای نبود که خود را ناصح و خیر خواه آدم جا بزند، بلکه آن‌طور که توضیح آن خواهد آمد، با توسل به انواع قسم دروغ و تأکید بر آن به این نتیجه نائل آمد: ﴿وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ﴾.

## ۱. رو در رو با که؟

می‌پرسند: «بهتر نیست به جای مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل بگوییم: مرگ بر استکبار! به هر حال شاید بین مردم آمریکا هم چند نفر آدم خوب پیدا شوند که مستحق نفرین نباشند. خوب است احتیاط کنیم و در نفرین دیگران زیاده‌روی نکنیم».

البته ما گفته‌ایم که برای مردم آمریکا از خدا طلب مرگ نمی‌کنیم و طلب هدایت می‌کنیم، مخصوصاً آن‌هایی که با سیاست‌های دولت خود مخالف‌اند. این شعار مرگ هم متوجه اشخاص نیست و بلکه متوجه جریانی است که امروز از اینجا سر بر آورده و دولت آمریکا نماد آن است. اصلاً این‌ها ملت‌ها را به حساب نمی‌آورند. ملت خودشان را هم به حساب نمی‌آورند. اگر تحلیلی درست تحلیل کند، معلوم می‌شود که این‌ها برای نفوس بشری اصلاً ارزشی قائل نیستند!

اما آنچه که این گوینده نسبت به آن غفلت کرده و بی‌توجه از کنار آن گذشته، اهمیت دشمن‌شناسی در کنار دشمن‌ستیزی است! «مرگ بر استکبار» را هر انسان بی‌سر و پایی بر زبان جاری می‌کند و حتی اگر از خود او باما پرسید که نظر شما در مورد استکبار و سلطه‌جویی چیست، خواهد گفت: مرگ بر استکبار! (به زبان خودشان: مرگ بر تروریسم!)



گذشته از روحیه‌ی دشمن‌ستیزی و استکبار‌ستیزی، آنچه که از قلم افتاده، بصیرت داشتن کافی به زمانه و دشمن‌شناسی است! باید چشمان خود را باز کنیم و با ملاکی که در دست داریم به درستی تشخیص دهیم که امروز سردمدار کفر، چه کسی است؟

کلی حرف زدن اگر عملیاتی نشود فایده‌ای ندارد؛ دشمن‌ستیزی بدون دشمن‌شناسی نتیجه‌ی عکس می‌دهد! باید در امروز زندگی کنیم و دشمن امروز را بشناسیم. امروز شیطان از کدام نقطه سر بلند کرده؟

آن چنان که اشاره خواهیم کرد، در آیات قرآن به دشمنی و کینه‌ی یهود نسبت به مسلمانان تأکید شده است و نمی‌توان گفت که این مقطعی بوده است و آیه‌ی قرآن و قتش سر آمده! قرآن خصوصیات شیطانی فوق را بر گروه یهود تطبیق داده و بالاتر از آن، در آیه‌ای آینده‌ی آن‌ها را نشان داده و صراحتاً فرموده است: این گروه سرکش، دو بار در طول تاریخ طغیان می‌کنند و هر بار با ضد حمله‌ی مؤمنینی مواجه می‌شوند که سخت‌گیر و باصلابت هستند (: دشمن‌ستیز هستند!) و با متفرق کردن توطئه، آن‌ها را ناکام می‌گذارند.

آن آیه که از اسرار قرآن کریم است این است:

۱. از برخی روایات این قاعده استفاده می‌شود که آیات قرآن اشاره به الگوهای فرا زمانی دارند و در هر زمانی می‌توان برای آن‌ها مصداقی یافت و تطبیق کرد. از جمله: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْمُنْذِرُ وَ عَلِيٌّ عليه السلام الْهَادِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ هَلْ مِنْ هَادٍ الْيَوْمَ قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا زَالَ مِنْكُمْ هَادٍ مِنْ بَعْدِ هَادٍ حَتَّى دُفِعَتْ إِلَيْكَ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَوْ كَانَتْ إِذَا نَزَلَتْ آيَةٌ عَلَى رَجُلٍ ثُمَّ مَاتَ ذَلِكَ الرَّجُلُ مَاتَتِ الْآيَةُ مَاتَ الْكِتَابُ وَ السُّنَّةُ وَ لَكِنَّهُ حَى يَجْرِي فَيَمُنُّ بَقِي كَمَا جَرَى فَيَمُنُّ مَضَى (ابوبصیر از امام صادق عليه السلام در مورد آیه «إنما أنت منذر ولكل قوم هاد») سؤال پرسید. حضرت فرمودند: منذر رسول خدا بود و هادی حضرت علی عليه السلام. سپس فرمودند: ای ابابصیر آیا امروز هم کسی هادی است؟ ابوبصیر گفت: بلی! جانم فدایت! امروز شما هستید که پس از پدرانتان هادی این امت هستید. امام فرمود: رحمت خدا بر تو ای ابامحمد! اگر بنا باشد که آیه‌ای در وصف کسی نازل شود و با وفات آن مرد آیه هم نابود [و بی فایده] شود، این معنایش باطل شدن قرآن است [که قطعاً منتفی است]. حقیقت چنین است که آیات الهی زنده هستند و در حق آیندگان - به سان گذشتگان - جاری هستند. / بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۷۹؛ و مانند آن: ج ۲۴، ص ۳۲۸، ح ۴۶؛ و ج ۸۹، ص ۱۱۵، ح ۴)

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَنَعْلَنَّٰ عَلْوًا كَبِيرًا ۝  
فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا  
مَّفْعُولًا ۝ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِيكٍ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ۝  
إِنَّ أَحْسَنَكُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ ۖ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا ۚ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسْتَوْفُوا وُجُوهَكُمْ  
وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا ۝﴾

ما به بنی اسرائیل در کتاب اعلام کردیم که دو بار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری جویی بزرگی خواهید نمود. هنگامی که وعده‌ی نخستین فرارسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما می‌انگیزیم (تا شما را سخت در هم کوبند؛ حتی برای به دست آوردن مجرمان)، خانه‌ها را جستجو می‌کنند؛ و این وعده‌ای است قطعی! سپس شما را (به خاطر توبه‌ی شما) بر آن‌ها چیره می‌کنیم؛ و شما را به وسیله دارایی‌ها و فرزندان کمکی خواهیم کرد؛ و نفرات شما را بیشتر قرار می‌دهیم. اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید؛ و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید. و هنگامی که وعده دوم فرارسد، (آن چنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که) آثار غم و اندوه در صورت‌هایتان ظاهر می‌شود؛ و داخل مسجد (الاقصی) می‌شوند همان‌گونه که بار اول وارد شدند؛ و آنچه را زیر سلطه خود می‌گیرند، در هم می‌کوبند.

پس یهود دشمن امروز ما هم هست.<sup>۲</sup> لکن به هر حال این یهود باید احراز هویت شود و معلوم شود که کدام سیستم ظالم در دنیا خواستگارش یهود است؟

باید بدانیم امروز آن قوم یهود، که متأثر از فرهنگ مصر باستان در صدد دشمنی است، از کجا سر برافراشته و در چه لباسی ظاهر شده است؟ ماهیت، همان یهود دوران موسی و یهود دوران پیامبر است، اما شخصیت پنهان او را باید تشخیص بدهیم و بشناسیم. کدام حکومت است که عهده‌دار کار شیطان شده است؟

۱. اسراء/۴-۷.

۲. البته سابقاً به آیه‌ای از قرآن کریم اشاره کردیم که دشمن مسلمانان را دو گروه: یهود و مشرکین، دانسته بود که در مورد هویت مشرکین نیز باید بحث و بررسی کرد.

خصوصیات طاغوت که یادتان هست؟! آن‌ها را با هم مرور می‌کنیم و تطبیق می‌دهیم:

### استکبار

امروز برای مادرک معنای استکبار چندان مشکل نیست چون مظاهر آن را به چشم خود دیده‌ایم و فشار خوی استکباری را بر چرخ زندگی خود حس کرده‌ایم.

کشوری دارد نگرانی خودش را بهانه می‌کند تا ما را از حقوق مسلم خودمان محروم کند. می‌گوید شما باید به نگرانی ما پاسخ مناسب بدهید و از حقی که خود ما برای شما مشروع دانسته بودیم صرف نظر کنید!

می‌گوییم: نمی‌خواهید بر سر نگرانی خودتان خرج کنید؟ خرج نگرانی شما را ما باید پرداخت کنیم؟

می‌گویند: کمتر از این مقدار هم به کسی اجازه نداده‌ایم ما را نگران کند!

می‌گوییم: حالا شما از چه چیزی نگران هستید؟

می‌گویند: شما در حال ساخت سلاح هسته‌ای هستید!

می‌گوییم: حالا مدرک هم دارید؟

می‌گویند: مخفی‌کاری و پنهان‌کاری شما کافی است!

می‌گوییم: مگر قول داده بودیم که هر کاری کردیم به شما بگوییم؟

می‌گویند: دنیا شما را به وحشی‌گری می‌شناسد؛ به خاطر آسوده‌خاطر شدن دنیا باید دور

انرژی هسته‌ای را خط بکشید. حتی انرژی صلح‌آمیز!

این حرف را از زبان چه کسی می‌شنویم؟ کسی که تنها استفاده‌کننده از بمب اتم است،

خطاب به کشوری که هنوز فن‌آوری بمب هسته‌ای را هم ندارد! چه دنیای عجیبی...

می‌گوییم حالا عیبی ندارد بیابید ببینید چیزی پیدا می‌کنید یا نه! آمدند و گشتند. گفتیم: چه

پیدا کردید؟ گفتند: فعلاً هیچ! گفتیم: سر همین هیچ بیست سال مردم ما را زیر فشار تحریم و



تهدید قرار دادید؟...

گفتیم دیگر کاری ندارید؟ می شود دست از فشار و تحریم بر دارید؟  
گفتند نه! باید بیست سال دیگر هم اجازه بدهید بر شما نظارت داشته باشیم!  
گفتیم که چه؟ گفتند وگرنه تحریم ها باقی می ماند!  
این وسط یکی پیدا نشد برای نگرانی های ما دل بسوزاند و عکس العمل نشان دهد و کمی زیر  
بار محدودیت برود...

بگذریم...

تحریم حقوق بشری شنیده اید؟ فقط هم مخصوص ایران نیست، کشور کوبا هم از زمان فیدل  
کاسترو به همین جهت در تحریم است! معنایش چیست جز تعیین تکلیف؟ ما را تحریم می کنند  
به خاطر چیزی که مردم خودمان زیر بار آن رفته اند و به آن رأی ۹۸ درصدی داده اند. ما را به خاطر  
اجرای احکام اسلام تحریم می کنند!

بگذریم...

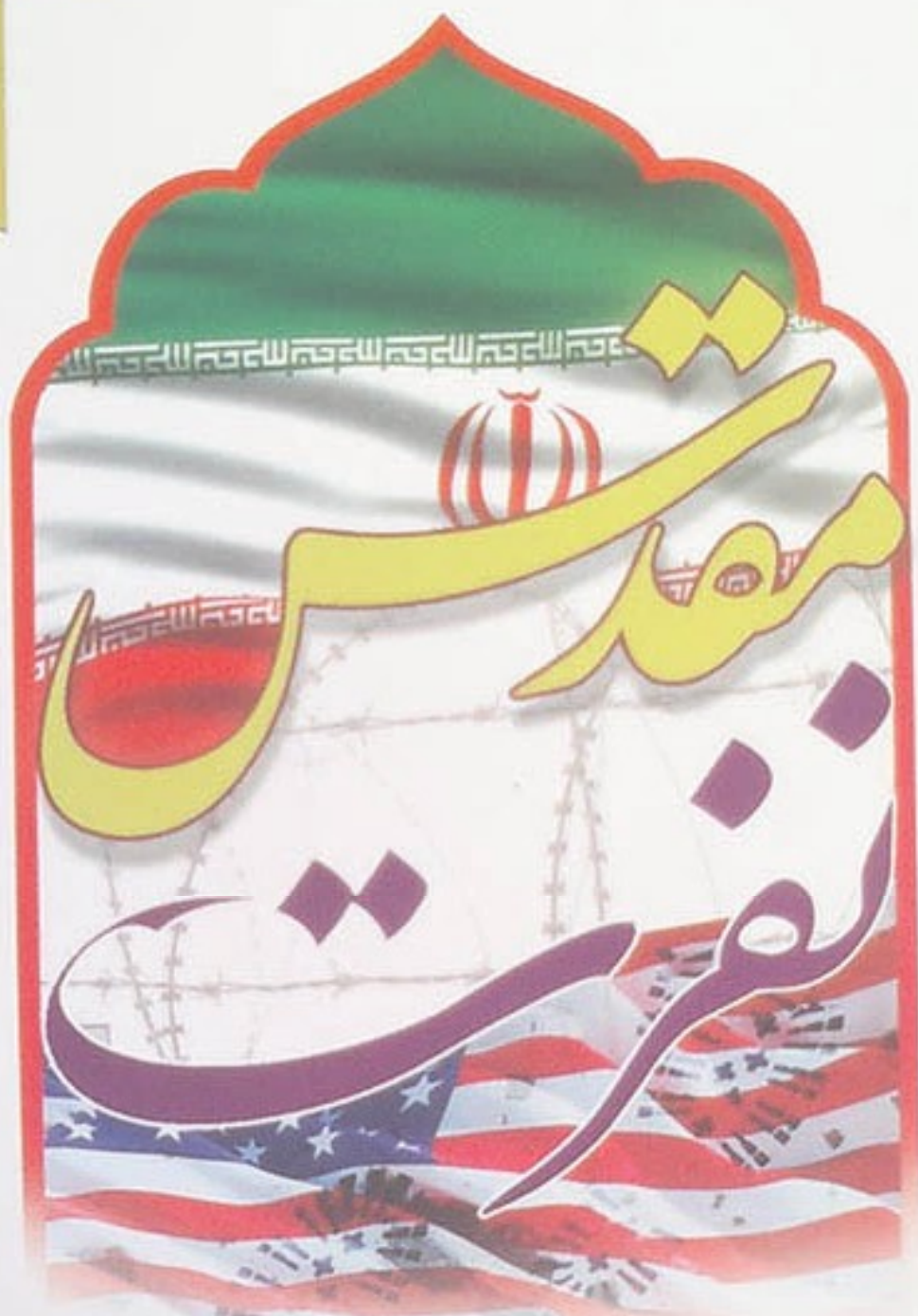
حق و تو که یادتان هست؟ این چه استثنائی است و چه مبنایی جز کد خدا مآبی این چند  
کشور دارد؟ چرا باید خون این ها رنگین تر باشد و این را به صورت قانون پذیرفته شده به کلّ دنیا  
بپذیرانند؟

کلاً بگذار بگذریم! بعداً با «ستیز» جواب این پررویی ها را می دهیم...



کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
انشاء الله تعالی تکمیل یابد

۶۴۳



دشمنی و ستیز؛ مبانی، مراحل و برکات

ارتباط با مؤلف

@mahdijn

در شبکه های اجتماعی داخلی